

آینده پژوهی تهدیدات کلان اجتماعی- فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق ۵ ساله (۱۴۰۱-۱۴۰۳)

ایوب نیکونهاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده

یکی از گونه‌های تهدیدات نظام‌های سیاسی که می‌تواند در میان مدت و بلندمدت امنیت ملی کشورها را با چالش‌های جدی مواجهه کند، تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی است. این نوع از تهدیدها با توجه به نوع و مؤلفه‌های سنجش آنها، در شمار تهدیدهایی هستند که بی‌توجهی به آنها در میان مدت می‌تواند تأثیرات غافلگیرکننده و مخربی در بلندمدت بر امنیت اجتماعی و حتی امنیت ملی کشورها بر جای بگذارد. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که تهدیدهای کلان اجتماعی- فرهنگی پیشروی جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله کدام است؟ براساس معیارهای سنجش وقوع تهدیدها، احتمال وقوع آنها در افق پیش‌رو چگونه است؟ چه اقدام‌هایی در مواجهه با این تهدیدها لازم است در دستور کار قرار گیرد؟ رویکرد پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از دو

روش پیمایش محیطی متون (کتب، مقاله‌ها، گزارش‌ها و...) و پرسش‌نامه خبرگانی استفاده شده است. جامعه آماری آن ۱۰ تن خبرگان علمی و دانشگاهی است که با تهیه پرسش‌نامه خبرگانی نظرات آنها اخذ شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر تهدیدهای رایج و متعارف متنوع فرهنگی و اجتماعی، ۹ تهدید کلان و اولویت‌دار، کاهش سرمایه اجتماعی، فساد اقتصادی و اجتماعی، تضعیف هویت ملی، چالش‌های قومی و مذهبی، شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش سطح توسعه انسانی، تغییر سبک زندگی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و جنگ شناختی- ادراکی، مهم‌ترین تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله به‌شمار می‌روند. در صورت تداوم وضعیت موجود تهدیدها، تشدید آنها و عدم اصلاح سیاست‌ها و راهبردها، در هنگام وقوع ناآرامی‌های اجتماعی و وقوع بحران‌های شناختی اجتماعی، مدیریت بحران‌ها به مسئله‌ای دشوار تبدیل خواهد شد.

کلیدواژه: تهدیدهای کلان اجتماعی- فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت اجتماعی، آینده پژوهی.

۱- دکتری علوم سیاسی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) آجا anikunahad@gmail.com

Title: Future study of the major socio-cultural threats to the Islamic Republic of Iran over a 5-year horizon (1408-1403).

Abstract: One of the types of threats to political systems that can pose serious challenges to the national security of countries in the medium and long term is socio-cultural threats. Considering the type and components of their assessment, these types of threats are among the threats that ignoring them in the medium term can have surprising and destructive effects on social security and even national security of countries in the long term. This research seeks to answer these questions: What are the major socio-cultural threats to the progress of the Islamic Republic of Iran in the five-year horizon? Based on the criteria for assessing the occurrence of threats, what is the probability of their occurrence in the future? What actions need to be taken to deal with these threats? The mixed research approach is exploratory and two methods of environmental survey of texts (books, articles, reports, etc.) and expert questionnaires have been used to collect information. The statistical population is 10 scientific and academic experts whose opinions were obtained by preparing an expert questionnaire. The research findings show that in addition to the common and conventional threats of various cultural and social, 9 major and priority threats, reduction of social capital, economic and social corruption, weakening of national identity, ethnic and religious challenges, social and economic gaps, reduction of human development level, change in lifestyle, increase in social harms and cognitive-perceptual war, are considered the most important threats to the Islamic Republic of Iran in the five-year horizon. If the current state of threats continues, their intensification and failure to reform policies and strategies, when social unrest and social cognitive crises occur, crisis management will become a difficult issue.

Key words: Macro-socio-cultural threats, Islamic Republic of Iran, social security, futures studies.

مقدمه

روندها و رویدادهای اجتماعی-فرهنگی در سطح کلان جهانی (کلان‌روندها) بیانگر آن است که در طی دهه‌های اخیر محیط‌های اجتماعی در سطح جهانی دچار تغییرات بنیادین بسیاری شده است. بسیاری از این تغییرات با وجود فرصت‌های بی‌نظیری که برای جوامع به وجود آورده، اما دربرگیرنده تهدیدهای جدی نیز بوده است. در جوامعی که در حال گذر از جوامع سنتی به جوامع مدرن هستند، سطح تهدیدهای تغییر محیط‌های اجتماعی به مراتب بیشتر از فرصت‌هاست و در صورت عدم شناخت صحیح این تغییرات و تهدیدها می‌تواند هم جامعه را در وضعیت شکنندگی و ازهم‌گسیختگی قرار دهد و هم می‌تواند نظام‌های سیاسی را با خطر جدی مواجه سازد. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش پیش‌رو در نظر دارد تا پس از شناسایی تهدیدهای اجتماعی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق ۵ ساله، به تحلیل و سنجش آنها بپردازد.

پیشینه پژوهش

شهباز و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «مدل‌سازی تهدیدات امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ساختاری-تفسیری» باهدف فهم دقیق از وضعیت اجتماعی در کشور و تهدیدهای موجود آن براساس روش ساختاری-تفسیری به بررسی مسئله پرداخته و سه تهدید ضعف ساختاری نهادهای اجرایی و قضایی، کاهش سطح احساس رفاه و رضایتمندی از زندگی و کاهش نقش خانواده در تربیت فرزندان را مهم‌ترین تهدیدها در این حوزه دانسته‌اند. مطلبی (۱۳۹۹) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش کمی-کیفی مسائلی نظیر بیکاری و فقر اقتصادی، بی‌اعتمادی، هویت‌خواهی، تبعیض، مسائل زنان و... را که به تضعیف امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران شده است، شناسایی کرده است. ذاکر اصفهانی و صادقی (۱۳۸۷) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: تهدیدات و راهکارها» براساس دیدگاه‌های امنیت اجتماعی «کارل دوپچ» و امنیت ملی «باری بوزان» بر این باورند که تهدیدهایی نظیر جنگ نرم، جهانی‌شدن، حقوق بشر، تهدیدات اقتصادی و... در

امنیت اجتماعی یکی از ارکان اصلی و اساسی شکل‌دهنده به امنیت ملی در جوامع توسعه‌یافته یا در حال توسعه به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر انجام کارویژه‌های اصلی نظام‌های سیاسی همانند برقراری ثبات سیاسی در داخل، تأمین منافع ملی کشور در مواجهه با محیط پرچالش خارجی، بسط رفاه و عدالت اجتماعی، تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، تأمین نظم و بقای جوامع و... بستگی به وجود تأمین امنیت اجتماعی در آن جوامع دارد و در صورتی که امنیت اجتماعی جامعه با خطراتی مواجه شود، نظام سیاسی هم در انجام کارویژه‌های خود ضعیف یا ناتوان خواهد بود. در واقع پیش‌نیاز دستیابی نظام‌های سیاسی به اهداف و چشم‌اندازهای توسعه‌ای که مدنظر دارند، وجود شرایط با ثبات اجتماعی در داخل است و بحران اجتماعی برخاسته از تهدیدهای اجتماعی مانع اصلی کارآمدی نظام‌های سیاسی و دولت‌ها خواهد شد، چرا که تهدیدهای اجتماعی عموماً انسجام، ثبات و ماهیت هنجاری جوامع را تضعیف می‌کنند و علاوه بر آنکه خود منشأ بحران هستند، در صورت مواجهه شدن نظام سیاسی با بحران، بار اضافی را نیز بر آن تحمیل خواهند کرد و چه بسا با تعمیق تهدیدهای اجتماعی، مهار بحران شکل گرفته به یک مسئله غیرقابل کنترل تبدیل شود. به همین جهت پیوند و ارتباط نزدیکی میان امنیت دولت و جامعه وجود دارد. از سوی دیگر با پیچیدگی‌های محیط و سیستم‌های پیچیده اجتماعی که امروزه با آنها سروکار داریم، سبک و سیاق تهدیدها نیز کاملاً تغییر کرده است. در نسل پنجم جنگ‌ها که عموماً از آنها به جنگ‌های ادراکی-اطلاعاتی یا جنگ شناختی تعبیر می‌شود، تهدیدسازی اجتماعی، برجسته‌سازی آنها و بهره‌برداری به‌هنگام از آنها برای عامل تهدیدکننده اهمیت فراوانی دارد. از آنجایی که هدف جنگ شناختی در مرحله اول فروپاشی شیرازه‌های اجتماعی و ایجاد شکاف بین دولت و جامعه و حتی تعمیق آن است بنابراین تهدیدهای اجتماعی در پیشبرد این نسل از جنگ‌ها، حرف اول و آخر می‌زند. هرچه تهدیدهای اجتماعی در یک جامعه بیشتر و متنوع‌تر باشد، ابزارهای جنگ شناختی برای طرف مهاجم بیشتر مهیا می‌شود.

صاحب‌نظران، متخصصان و کارشناسان خبره سیاسی اخذ و پس از حصول روایی و پایایی قابل قبول در بخش کمی و اطمینان از مقبولیت، انتقال‌پذیری و اعتبارپذیری در بخش کیفی، نتایج مورد بهره‌برداری واقع شدند. برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به‌وسیله پرسش‌نامه و متناسب با هر موضوع، از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها و سؤال‌های باز، پرسش‌نامه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای سیستماتیک استفاده شده و پایایی پرسش‌نامه‌ها با کمک ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان، محققان و نخبگان علمی و دانشگاهی کشور به‌صورت هدفمند ساده در دسترس با حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت، ۴۰ سال سن و مدارک تحصیلی دکتری تخصصی است که به‌طور هدفمند از میان افراد واجد صلاحیت انتخاب شده‌اند.

چارچوب مفهومی

← امنیت اجتماعی

فرهنگ و ارزش‌های مشترک از عوامل پایداری و استحکام کشورها به‌شمار می‌روند. غالب حکومت‌ها در کنار سایر عوامل، حفظ و گسترش ارزش‌های مورد نظر خود را جزو اهداف و منافع ملی خویش می‌دانند؛ لذا عواملی که منجر به تضعیف یا از بین بردن فرهنگ و ارزش‌های مشترک می‌شوند، جزو تهدیدهای آنان تلقی می‌شوند. به اعتقاد بوزان و همکاران، «در چارچوب تحلیل امنیت بین‌الملل، عنصر کلیدی جامعه، همان اندیشه‌ها و رویه‌هایی است که به افراد به‌عنوان یک عضو از یک گروه اجتماعی هویت می‌بخشد.» (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۱۸۴). بنابراین یکی از اشکال چهارگانه امنیت را می‌توان امنیت اجتماعی به‌شمار آورد. امنیت اجتماعی، ناظر به روابط دوسویه دولت و جامعه و به تعبیر بهتر مناسبات «قدرت-مردم» و «مردم-مردم» است و روابط بین افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی به‌همراه طیف متنوعی از موضوع‌ها را شامل می‌شود. در مباحث مربوط به امنیت داخلی، واحد تحلیل دولت و در مباحث مربوط به امنیت اجتماعی، واحد تحلیل جامعه است. از این منظر امنیت اجتماعی دربرگیرنده مجموعه سیاست‌ها و راهکارهایی است که هدف از آنها، ایجاد نظم

دسته تهدیدهای حائز اهمیت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. احتشامی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «تهدیدات آینده امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران» به بحث و بررسی درخصوص پیش‌بینی تهدیدهای آینده امنیت داخلی با بهره‌گیری از روش ترکیبی کمی و کیفی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در ۱۲ حوزه (فضای مجازی، رسانه، دانش و فناوری، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اطلاعاتی-امنیتی، حقوقی، معنوی، جمعیتی و سازمانی)، ۳۹ کلان‌روند وجود دارد که می‌تواند ۱۴۰ تهدید در حوزه امنیت داخلی تولید کند. نوذری (۱۳۸۴) در مقاله پژوهشی تحت‌عنوان «بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی (تحلیلی پارادایمی در خصوص رویکردها، برداشتها و نظریه‌های جدید پیرامون مفهوم بحران)» به بررسی مطالعات نظری در این حوزه پرداخته و به ریشه‌شناسی و مفهوم‌شناسی بحران، دسته‌بندی انواع آن در سطح کلان، سطوح خرد بحران اجتماعی، رویکردها و برداشتهای جامعه فرهنگی و تاریخی از بحران و در نهایت آسیب‌شناسی بحران مبادرت کرده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های دیگر این است که اولاً براساس دیدگاه خبرگانی، به شناسایی تهدیدات اجتماعی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، در مرحله بعد به سنجش احتمال وقوع آنها اقدام کرده و نهایتاً به بررسی این تهدیدها در افق پنج‌ساله دست‌زده است.

روش‌شناسی پژوهش:

درخصوص روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش می‌توان گفت که این پژوهش از نوع آینده‌پژوهی با رویکرد اکتشافی (از نوع آمیخته) است و از دو ابزار روشی پیمایش محیطی (کتاب، مقالات، گزارش‌های معتبر علمی و...) و مصاحبه خبرگانی بهره گرفته است. در بخش کیفی پیمایش محیطی متون، ادبیات از طریق جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی (سایت‌های معتبر علمی) و گزارش‌های مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی به‌دست آمده است. در بخش کمی پژوهش نیز به جهت سنجش شاخص‌های شدت تهدیدها و میزان احتمال وقوع آنها پس از به‌دست آوردن مؤلفه‌ها، با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته، آرای

اجتماعی و فرهنگی کارآمد، دستیابی به سطح مطلوب از استانداردهای زندگی، ایجاد زمینه‌های لازم برای برخورداری از احساس امنیت و آرامش اجتماعی و روانی در بین شهروندان و ... اشاره کرد (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۰).

← الگوی سنجش تهدیدات:

مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم بیان شده است؛ یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خود برسد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲: ۸۴). پاره‌ای از متون سیاسی-امنیتی، تهدید را به معنای «توانایی‌ها، نیات و اقدام‌های دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیتی یا مداخله به‌نحوی که نیل به علائق و مقاصد به خطر افتد، تعریف کرده‌اند». در تجزیه تحلیل عوامل تهدید، ضرورت دارد به انگیزه تهدید، زمینه تهدید، هدف تهدید، نوع تهدید، منطقه تهدید، ابزارهای تهدید، مکانیسم تهدید، زمان تهدید، احتمال وقوع تهدید، احتمال موفقیت تهدید، اراده تهدید، تحمل تهدید و مدیریت تهدید توجه شود تا با برنامه‌ریزی مناسب بتوان تهدید را به فرصت تبدیل کرد. «بوزان» عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید را شامل موارد ذیل می‌داند:

* مشخص بودن هویت تهدید

* قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ زمانی (فوریت تهدید)

* شدت احتمال وقوع تهدید

* اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت تهدید می‌شوند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

تهدیدها از نظر دامنه به سه دسته، تهدیدهای با دامنه اندک، متوسط و گسترده تقسیم می‌شوند. از نظر فوریت (نزدیکی و دوری تهدید از نظر زمانی و مکانی) نیز هر چه منبع تهدید به محیط تهدید شونده نزدیک‌تر باشد، تهدید شدیدتر درک می‌شود. به عبارت دیگر فوریت آن نسبت به سایر تهدیدها (که از نظر سایر شرایط یکسان هستند) بیش‌تر است. میزان نزدیکی، دوری و فوریت، به مکان و زمان تهدید ارتباط دارد. از جمله شاخص‌های ارزیابی شدت تهدیدها که متأثر از فضای جدید حاکم بر مناسبات بین‌المللی و جهانی شدن، تحولات چشم‌گیری را تجربه کرده، می‌توان به شاخص مکان اشاره کرد.

مطلوب در جامعه به‌منظور کنترل اجتماعی و مواجهه با رخدادهایی مختلفی است که می‌تواند آرامش و اطمینان خاطر در جامعه را به هم بزند (بلندیان، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۷). در واقع امنیت اجتماعی را می‌توان حلقه واسط بین امنیت فردی و امنیت ملی یک کشور دانست که با وجود آن، توسعه پایدار در سطح جامعه و ثبات اجتماعی تقویت می‌شود. در یک تقسیم‌بندی، امنیت اجتماعی دارای دو وجه سلبی و ایجابی است. در رویکرد سلبی امنیت اجتماعی به معنای فقدان تهدید و برخوردهای سخت‌افزاری با تهدیدها تقلیل پیدا کرده اما در رویکرد ایجابی ارتقای امنیت اجتماعی از طریق افزایش میزان رضایت‌مندی و مشارکت ذینفعان و بازیگران در تولید امنیت مدنظر است (گروه مطالعات امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). از سوی دیگر از دیدگاه صاحب‌نظران مطالعات امنیتی، مقوله امنیت اجتماعی دارای پنج مؤلفه هویتی، قانونی، اعتماد، علم و فناوری و زیست محیطی است. در مؤلفه هویتی، امنیت اجتماعی به معنای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در جهت نگهداشت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت، عرف ملی و... (به معنای امنیت هویتی در مکتب کپنهاک) مدنظر است (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در مؤلفه‌های قانونی، امنیت اجتماعی بر صیانت مردم و شبکه‌های مواصلاتی، رعایت حقوق شهروندی، مصون بودن عرصه خصوصی مردم از نظارت و مراقبت و تهدید دیگری، آزادی، احترام به سبک زندگی آنها و... تأکید می‌شود. در مؤلفه اعتماد، امنیت اجتماعی بر وجود سازوکارهای صحیح در جهت اعتمادآفرینی و به تبع همکاری افراد و جامعه در جهت افزایش سطح مشارکت، استحکام همبستگی اجتماعی و نظم اجتماعی تأکید می‌شود (ونت، ۱۳۸۵: ۴۲). در مؤلفه‌های علم و فناوری و محیط‌زیست، امنیت اجتماعی بر تحول‌پذیری و آسیب‌دیدگی جوامع و امنیت از طریق از بین بردن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی، تشویق به همکاری‌های بین علوم، حفظ محیط زیست، امنیت سایبری و فضای مجازی، مصونیت در برابر تهدیدات نوظهور فناورانه و... تأکید می‌شود (گزارش سازمان ملل متحد، ۲۰۱۸: ۳). از جمله مصادیق امنیت اجتماعی می‌توان به وجود انسجام اجتماعی، اعمال سیاست‌های

از نظر منابع تهدید، تهدیدها را می‌توان به تهدیدهای خارجی و داخلی تقسیم کرد، اما باید یادآور شد که گاهی کشیدن مرز بین تهدیدهای خارجی و داخلی کار دشواری است. از نظر گونه‌شناسی تهدیدها، آنها را می‌توان به تهدیدهای سیاسی- حقوقی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی (اجتماعی شده) و فرهنگی، تهدیدهای زیست‌محیطی و فناورانه دسته‌بندی کرد. از نظر سطح نیز می‌توان آنها را به تهدیدهای فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی دسته‌بندی کرد. از نظر جغرافیای تهدید می‌توان آنها را به تهدیدات داخلی و خارجی تقسیم کرد؛ و از نظر توازن و تعادل در تهدید نیز می‌توان تهدیدها را به متعادل و نامتعادل دسته‌بندی کرد. تهدیدها از نظر پیچیدگی به تهدیدهای بسیط یعنی تهدیدهایی که بر مبنای منطق واحدی تکوین و ظهور یافته‌اند و تهدیدهای مرکب قابل تقسیم بوده و از نظر جنس نیز به تهدید عینی و تهدید ذهنی قابل تقسیم هستند. گونه‌شناسی تهدیدها از نظر کانون تهدید، آنها را به دو دسته تهدید بازیرگان و تهدیدهای ساختاری تقسیم کرده و از نظر انگیزه به تهدیدهای عمدی و غیرعمدی تقسیم‌بندی شده‌اند. از نظر کارویژه نیز می‌توان تهدیدها را به تهدیدهای ایذایی یا واقعی و تهدید آزمایشی یا اصلی دسته‌بندی کرد. (مرادیان، ۱۳۹۷: ۹۳)

جدول ۱: الگوی کاربردی پژوهش: شاخص‌های سنجش

تراکم و گستره	خاص و متمرکز/ پراکنده
توان تهدید	قوی/ ضعیف عمیق/ زیاد/ کم
فوریت مکانی	نزدیک/ دور
فوریت زمانی	قریب/ بعید
دامنه تهدید	وسیع/ محدود
توان تهدید	قدرتمندی تهدیدگر/ قدرتمندی تهدیدشونده
عمق تهدید	منافع بنیادین/ منافع حیاتی/ منافع مهم/ منافع حاشیای
ابعاد تهدید	ابعاد شش‌گانه تهدید
احتمال وقوع	زیاد/ متوسط/ کم
ماهیت تهدید	نظامی- غیرنظامی/ به‌کلی سیاسی- کمتر سیاسی
دامنه و گستره تهدید	سطح ارزشی/ سطح عددی/ موضوع/ مسئله/ مشکل/ معضل/ خطر/ بحث/ بحران
شاخص‌های ارزیابی و مدیریت تهدید	ایذایی- واقعی/ آزمایشی- اصلی
کار ویژه	عمدی/ غیرعمدی
انگیزه	تهدید بازیرگان/ تهدیدات ساختاری
کانون تهدید:	عینی- ذهنی/ سخت- نرم
جنس تهدید	داخلی/ خارجی
جغرافیای تهدید	فردی/ گروهی/ ملی/ منطقه‌ای/ بین‌المللی/ جهانی
سطح تهدید	
معیار سنجش	

تحلیل داده:

۱- مهم ترین تهدیدات اجتماعی - فرهنگی

علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شناخت تهدیدات اجتماعی - فرهنگی دربرگیرنده اطلاعاتی است در مورد جمعیت، اقلیت‌های قومی و مذهبی، زبان، آداب و رسوم، دین و مذهب، روحیه، طرز فکر، سازمان‌های اجتماعی، افشار مختلف جامعه، مطبوعات، بهداشت، انواع جرائم و میزان آن و به‌طور کلی تأثیر مسائل اجتماعی کشور در سیاست داخلی و خارجی آن کشور. در واقع اقتدار فرهنگی و اجتماعی، یکی از عناصر مهم راهبرد ملی است که به‌طور کلی با خصوصیات مثبت و منفی، غرایز، علائق، وحدت، وضع اجتماعی و روانی، مذهب، نژاد، ایدئولوژی، شرایط اقلیمی، روش‌های تعلیم و تربیت، پیشرفت‌های علمی و فنی، آداب و رسوم و وسایل ارتباط جمعی در یک کشور سروکار دارد. اقتدار فرهنگی و اجتماعی یک ملت ترکیبی است از: وحدت ملی، وضع اجتماعی و روانی مردم، اعتقادات مردم، ماهیت و فعالیت گروه‌های مختلف مردم و عوامل کمی جمعیت. بنیان خانواده، کاهش ارتباطات اجتماعی، سلامت اداری و... (مرادیان، ۱۳۹۷: ۲۵-۷۵). براساس دیدگاه‌های خبرگان شرکت‌کننده در این پژوهش مهم‌ترین تهدیدهای اجتماعی - فرهنگی که می‌تواند در افق پنج‌ساله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد، به شرح زیر می‌توان برشمرد.

تغییر سبک زندگی:

در سه دهه اخیر (سال‌های پس از جنگ تحمیلی) جامعه ایرانی تحولات عمده‌ای در حوزه سبک زندگی را تجربه کرده است. در دهه اول انقلاب به تأسی از آرمان‌ها و ایدئولوژی انقلابی موجود، ارزش‌های اصیل اسلامی همانند ساده‌زیستی و قناعت‌پیشگی، ایثار، فداکاری، شهادت‌طلبی، نوع‌دوستی و... در جامعه ایرانی رواج پیدا کرده بود، اما در دهه‌های بعد به تدریج سبک زندگی جامعه ایرانی دچار تغییرات اساسی شد. از جمله تغییرات مشهود در سبک زندگی در جامعه ایرانی می‌توان به تغییر در سبک معماری منازل مسکونی و ساخت‌وسازها بدون توجه به پیوسته‌های فرهنگی، تربیتی و بهداشتی، تغییر در خلیقات فردی افراد خانواده و گرایش افراطی به

فردگرایی، تغییر در ذائقه افراد خانواده جهت اختصاص زمانی برای گفت‌وگو و دورهمی، مشغول شدن بیشتر افراد به وسایل ارتباط جمعی شخصی شده مثل موبایل در میهمانی‌ها، اهمیت و اولویت یافتن تربیت رسانه‌ای فرزندان بر تربیت والدین در خانواده، تغییر نقش‌ها در خانواده و حضور گسترده زنان در عرصه دانشگاهی و بازار کار، تجردگرایی جوانان و افزایش میل به زندگی تجردی، میل شدید به مصرف‌گرایی در حوزه کالاهای لوکس و تجملی در قشر متوسط و پایین جامعه، رواج بیماری مدگرایی و تغییر سالیانه و حتی کمتر وسایل خانه همانند تلویزیون، فرش، یخچال، مبلمان و...، افزایش نارضایتی از زندگی با وجود افزایش کیفیت امکانات، تغییر ذائقه مردم در حوزه خوراک و مصرف بی‌رویه انواع فست‌فودها نظیر ساندویچ، پیتزا، سمبوسه و... افزایش تمایل به نگهداری حیوانات خانگی به جای فرزندآوری در میان اقشار مختلف و... اشاره کرد (شیرکرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳-۴۷). تغییر الگوی سبک زندگی در ایران موضوعی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و می‌تواند بر روابط میان مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد. این تغییرات می‌توانند شامل تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی باشند که به تدریج در جامعه رخ می‌دهند. بر این اساس، تغییرات در سبک زندگی می‌تواند ناشی از گسترش فرهنگ مصرف، رفاه نسبی، شهرنشینی، توسعه تکنولوژی و ارزش‌های همبسته با آن باشد. این تغییرات ممکن است به افزایش انتخاب و عاملیت فردی، توجه به زیبایی‌شناسی‌های جدید، توجه به سیاست تفاوت، ریسک‌پذیری‌های هویتی و پیوندزنی‌های جدید در نشانه‌ها، کالاها، ایده‌ها و معانی منجر شود (ذکایی، ۱۴۰۱: ۶۳-۵۸). توجه به اینکه تغییرات سبک زندگی می‌تواند بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تأثیر بگذارد، ممکن است برخی از این تغییرات به دوری یا نزدیکی مردم به نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شود. این امر می‌تواند به دلیل تفاوت‌های بین ارزش‌های سنتی و مدرن، تغییر در الگوهای مصرف و تعاملات اجتماعی باشد. با تغییرات سبک زندگی در ایران در دهه‌های اخیر به شکل قابل توجهی رخ داده است. به‌عنوان مثال تغییر در سبک زندگی ایرانیان و گرایش به سبک زندگی

تاریخی و تغییر حاکمیت‌ها عموماً ارجحیت بخشی و اولویت دادن به یک عنصر از عناصر شکل‌دهنده به هویت جامعه ایرانی دستخوش تغییراتی شده است، اما جدال‌های هویتی و تضادهای ناشی از قرائت‌های فکری مخالفان و موافقان همچنان پابرجا مانده و در مواردی بحران‌های اجتماعی و سیاسی را نیز تشدید کرده است. در حال حاضر هویت ایرانی به‌علت مواجهه شدن با فرایندهایی همچون جهانی‌شدن، ارتباطات گسترده جهانی در بستر اینترنت، رشد فزاینده شبکه‌های اجتماعی و موبایلی و... با چالش‌هایی روبرو شده و تصور و درک جدیدی از خود و دیگری در متن زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان سر برآورده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۰) و به‌نوعی می‌توان گفت که تلاش برای پیوستن به یک هویت جهانی به‌معنای خودفهمی انسان ایرانی در چارچوب جهانی و شکل‌گیری احساس تعلق فرد به‌نظام جهانی و تعهد وی به مسائل جهانی در حال شکل‌گیری است. ضریب نفوذ و گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی و کاربران اینترنتی در کنار افزایش بی‌شمار وب‌سایت‌ها، افزایش اجتماعات آنلاین (برخط) و مجازی و حجم وسیع مطالب و محتوای تولید شده که گاهی به مبانی هویتی جامعه ایرانی حمله‌ور می‌شوند، توانسته است بر کارایی سیاست‌های هویتی تأثیر بسزایی بر جای بگذارد و آن را با چالش‌های اساسی مواجه سازد؛ به‌طوری‌که دیگر نظام سیاسی قادر نیست همچون گذشته و دهه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یک محیط همگون و امن، به ترویج و تحکیم هویت ملی مطلوب مدنظر خود که همانا تحول در ساختار هویتی با بهره‌گیری از عنصر دینی و مؤلفه‌های اسلامی است، بپردازد. روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که مسئله جهانی‌شدن و ابزارهای آن همانند به‌کارگیری اینترنت از سوی اکثریت مردم و به‌خصوص جوانان، توانسته است بر روی احساس وفاداری و تعلق خاطر آنان نسبت به هویت ملی‌شان تأثیر منفی بگذارد و این مسئله در صورت عدم توجه به آن از سوی نظام سیاسی، می‌تواند به بروز بحران هویت ملی و تضعیف آن بیانجامد (عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۹۱).

➔ - افزایش آسیب‌های اجتماعی جامعه ایرانی
آسیب‌های اجتماعی از جمله تهدیدات اجتماعی -

غربی در بخش‌هایی از جامعه سبب شده است تا در حوزه عفاف و حجاب تعارضات جدی بین جامعه و حاکمیت شکل بگیرد و در حال حاضر نیز مقوله بدپوششی و به تعبیر بهتر بی‌حجابی به یک چالش فرهنگی تبدیل شود؛ بنابراین تغییر در سبک زندگی مردم ایران می‌تواند به تعارض با نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شود، زیرا هر دو در جهت‌گیری‌های فرهنگی و ارزشی متفاوتی قرار دارند. از یک‌سو، نظام جمهوری اسلامی بر پایه ارزش‌های اسلامی و اصول و مقررات دینی بنا نهاده شده است، در حالی‌که تغییرات سبک زندگی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌های جهانی و مدرنیته باشد که با ارزش‌های سنتی و دینی ممکن است همخوانی نداشته باشند. این تعارضات می‌توانند به اشکال مختلفی بروز کنند، از جمله از طریق اعتراضات اجتماعی، تغییر در رفتارهای انتخاباتی یا افزایش تقاضا برای اصلاحات فرهنگی و سیاسی. در نهایت، تعارض بین سبک زندگی مردم و نظام حاکم می‌تواند بر پایداری و همبستگی اجتماعی تأثیر بگذارد و به چالش‌هایی برای حاکمیت منجر شود.

➔ - تضعیف هویت ملی در ایران

بر اساس ملاحظات جامعه‌شناختی می‌توان گفت که هویت ملی در جامعه ایرانی معاصر از سه پایگاه و آبشخور اصلی بهره‌مند است. اولین پایگاه و عنصر هویت‌ساز جامعه ایرانی، گرایش‌های باستان‌گرایانه و تعلقات شکل‌گرفته پیرامون نمادها و نظریه‌های ایرانشهری است که همچنان در بسیاری از نمادها و مناسک روزمره مردم در جامعه ایران رواج دارد. دومین عنصر هویت‌ساز در جامعه ایران معاصر را می‌توان عنصر اسلام‌گرایی قلمداد کرد که در طول چهارده قرن اخیر به بخش مهم و لاینفک هویت در جامعه ایران تبدیل شده است. بعد سوم عنصر هویت‌ساز در ایران معاصر، مسئله مدرنیته و یا به عبارت بهتر گرایش‌های غرب‌گرایانه‌ای است که از هنگام برخورد اولیه ایرانیان با فرهنگ غربی در طی جنگ‌های ایران و روس تاکنون در کنار لایه اول و در جدال با لایه دوم هویتی جامعه ایرانی پدیدار شده است (رجایی، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۰). آنچه مسلم است این واقعیت انکارناشدنی است که هویت جامعه ایرانی، دارای عناصر متکثر و متنوعی است گرچه باوجود فراز و نشیب‌های

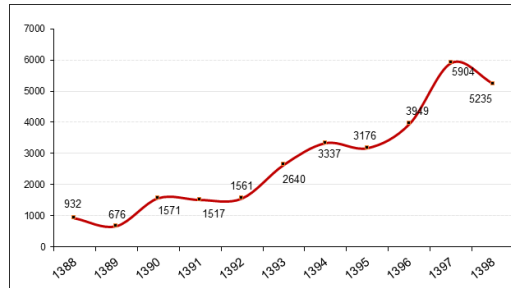
مجازات و اقدام‌های تأمینی درمانی برای مداوا و اشتغال به کار معتادان، شاهد افزایش جمعیت معتادان در ایران هستیم. گرچه هنوز آمار رسمی معتبری در خصوص میزان ابتلای به اعتیاد در ایران وجود ندارد، اما براساس گزارش مرکز آموزش و تحقیقات مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۹ تعداد دو میلیون و هشتصد هزار نفر معتاد رسمی در ایران وجود دارد و تخمین زده می‌شود که یک میلیون و چهارصد هزار نفر معتاد شناسایی نشده باشند (www.hamshahronline.ir/news/548191). براساس گزارش دبیر میز مقابله با اعتیاد شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۲، میانگین سن اعتیاد در کشور ۲۴ سال بوده و نرخ شیوع اعتیاد در کشور در جمعیت فعال ۵ درصد، در میان دانش‌آموزان دو درصد و در جمعیت کارگری نیز ۲۲ درصد است. براساس این آمار، نرخ شیوع مصرف مواد در بین جوانان در دهه ۸۰ شمسی، یک درصد بوده که در دهه ۹۰ شمسی به ۴.۷ درصد رسیده است که در این بخش شاهد رشد ۶.۳ درصدی هستیم (farsnews.com/14020810000132/ir/news). در مجموع براساس تخمین‌های به‌عمل‌آمده، مواد مخدر سالانه قریب به ۲۰۰ هزار میلیارد به شکل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد کشور ضربه می‌زند و روزانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان در بخش درمان، بهداشت، مقابله و دیگر بخش‌ها به کشور خسارت وارد می‌کند. گذر از مواد مخدر سنتی به صنعتی و همچنین افزایش تعداد زنان معتاد از ۵ به ۱۰ درصد که در نمودهایی از جمله کارتن‌خوابی و حتی گورخوابی نیز خود را نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر به معضل مهم دیگری تبدیل شده و آمار روبه افزایش تولد کودکان معتاد و مبتلا به ویروس ایدز و هپاتیت و خرید و فروش آنها یکی از موضوع‌هایی است که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (<https://rasekhoon.net/article/1367419/show>). در کنار آسیب مربوط به مواد مخدر یکی دیگر از این آسیب‌های اجتماعی روند روبه‌رشد مصرف مشروبات الکلی در کشور و مسمومیت‌های ناشی از آن است. هرچند آمار مستندی در این رابطه هم وجود ندارد، اما مسمومیت‌هایی که در اثر مصرف مشروبات الکلی در استان‌های مختلف به‌وقوع

فرهنگی است که رواج و تشدید آن در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجهه سازد. از جمله آسیب‌های اجتماعی می‌توان به موارد زیر به‌صورت اختصار اشاره کرد. نخستین مسئله و یا آسیب در این حوزه به حوزه زنان و سیاست‌گذاری‌ها در این خصوص برمی‌گردد. به‌عنوان مثال بخش اعظم جمعیت زنان در حال حاضر (نزدیک به ۶۰ درصد) را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهد که بعد از ازدواج و تشکیل خانواده تمامی عمر خود را در خدمت نهاد خانواده سپری می‌کنند و انتظار است که با توجه به نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، تحت پوشش تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی قرار گیرند؛ اما رویکرد عمده حوزه‌های بیمه‌ای مبتنی بر بازار کار و اشتغال است و بر این مبنای حدود ۱۹ میلیون از زنانی که در خانه حضور دارند و به فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری می‌پردازند. به‌عنوان جمعیت غیرفعال از لحاظ اقتصادی محسوب می‌شوند. لذا تحت پوشش حوزه تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرند؛ زیرا بر مبنای تعریف مرکز آمار ایران، خانه‌دار فردی است که شاغل، بی‌کار، جویای کار و محصل نبوده باشد. بسیاری از زنان خانه‌دار در کشور از نظر پوشش بیمه‌ای (به‌عنوان بیمه‌شده تبعی) تحت تکفل شوهر خود هستند و طبق قوانین مربوطه از خدمات و حمایت‌های درمانی و در صورت فوت شوهر از مستمری بازماندگان برخوردار خواهند شد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که بیش از ۵۳ درصد زنان کشور متأهل بوده و دارای همسر هستند. گروهی دیگر از زنان سرپرست خانوار، زنان خودسرپرست، زنان بد سرپرست و زنان مطلقه هستند که براساس راهبرد حمایتی نظام تأمین اجتماعی کشور تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

دومین مسئله و آسیب اجتماعی برجسته جامعه ایرانی مسئله اعتیاد است، گرچه اعتیاد مشکلی جهانی است و در کشور ما میزان اعتیاد در اوایل دهه ۸۰ شمسی حدود ۴ درصد تخمین زده می‌شد که اکثریت آنها در سنین ۲۵ تا ۳۰ سال قرار داشتند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۰)، اما با وجود لایحه قانونی تشدید

گسترش آن شاهد افزایش بزهکاری، جرم و جنایت، نامنی و... در جامعه بوده و در صورت نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت شمردن آن، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد. مسئله گسترش حاشیه‌نشینی که ارتباط مستقیمی با مسئله امنیت اجتماعی دارد، به دلیل جمعیت جوان، فقر، تزلزل شغلی، تحصیلات پایین، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت، آسفتگی و افسردگی و... می‌تواند امنیت شهروندان را تهدید کند؛ بنابراین حاشیه‌نشینی به دلیل عدم انسجام و همبستگی با درون جامعه شهری با افزایش آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۸۳). حاشیه‌نشینی به دلایل مختلف همچون گسست از جامعه‌پذیری منطبق با ساختار اجتماعی و انزوا و عزلت فرهنگی، ماهیت آسیب اجتماعی مهمی بوده و خود زمینه‌ساز آسیب‌های بسیاری به‌شمار می‌آید. از این رو افرادی که در حاشیه شهرها سکونت دارند، نه تنها از فقر، نبود امکانات بهداشتی، آموزشی و رفاهی، سلامت روان، فرهنگ گسسته از سایر طبقات و لایه‌های اجتماعی محروم‌اند، بلکه اغلب با مسائلی همچون اعتیاد، تجاوز، قاچاق کودکان و کارگری جنسی دست‌به‌گریبان‌اند (گزارش حجاب، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). در حالی که براساس برخی آمار رسمی، تعداد حاشیه‌نشینان کشور حدود ۱۱ میلیون نفر اعلام شده، آمارهای غیررسمی این تعداد را تا ۲۰ میلیون نفر نیز تخمین زده‌اند. این در حالی است که یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، این تعداد را ۱۷ میلیون نفر یعنی حدود یک‌پنجم جمعیت کشور، اعلام کرده است. گفته می‌شود کرج و زاهدان نسبت به جمعیتی که دارند، از بیش‌ترین درصد حاشیه‌نشین برخوردارند و پس از آنها مشهد، کرمانشاه، اهواز و همدان قرار گرفته‌اند. تهران و دیگر شهرهای بزرگ مثل تبریز و اصفهان نیز از شهرهایی هستند که حاشیه‌نشینی در آنها چهره ملموسی دارد. پایداری مسئله حاشیه‌نشینی در حالی است که رشد نسبت شاخص قیمت مسکن به درآمد به‌ویژه در سال‌های اخیر و رشد دوباره آن در پی شرایط فعلی کشور، موج جدیدی از این معضل را برای افراد کم‌درآمد

می‌پیوندد، به‌منزله زنگ خطری در این رابطه و لزوم سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای مقابله با تبعات آشکار و پنهان این آسیب است. توزیع سنی مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی یکنواخت نبوده و رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، بیش‌ترین مصرف‌کنندگان این کالا هستند.



نمودار ۴: روند دوازده‌ساله شرب خمر در ایران برحسب تعداد پرونده‌ها (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۴)

سومین آسیب اجتماعی کلان کشور که بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار است، مسئله فقر، بیکاری و نابرابری است. با وجود افزایش قیمت نفت و درآمد بالا در برخی سال‌ها، به‌واسطه تغییر و تحولات به‌وجود آمده در عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار (جمعیت، نرخ مشارکت و...) و تقاضای نیروی کار (رشد تولید، سرمایه‌گذاری، تحریم‌های بین‌المللی و...) در کنار ویژگی‌های ساختاری بازار کار (هزینه‌های جابجایی نیروی کار، قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار و...) شاهد نرخ بالای بیکاری طی سه دهه اخیر بوده‌ایم؛ به‌طوری‌که نرخ بیکاری در ایران تقریباً دو برابر میانگین نرخ بیکاری جهانی است. گزارش وضعیت آسیب‌های اجتماعی کشور، کارگروه بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی، بخش آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۲). طبق اعلام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در همه استان‌های کشور به‌طور یکنواخت توزیع نشده و در برخی استان‌ها نظیر استان‌های کرمانشاه، خوزستان، ایلام، لرستان، کرمان و سیستان و بلوچستان به‌مراتب شدیدتر و حادث‌تر از استان‌هایی نظیر استان‌های سمنان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی است. چهارمین آسیب عمده اجتماعی جامعه ایرانی در حال حاضر گسترش پدیده حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی پدیده‌ای اجتماعی است که همراه با

به‌دنبال داشته است؛ مسئله‌ای که لزوم برخورد کارساز و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول را برای ساماندهی به آن دوچندان کرده است (احمدی، ۱۳۹۹: ۳۴).

❖ - فساد اقتصادی و اجتماعی

رانت و اختلاس یکی از اختلال‌هایی است که می‌تواند اقتصاد یک کشور را دچار فروپاشی سازد؛ رانت به معنای به‌دست آوردن منافع و سودهای غیرقانونی است؛ رانت‌ها می‌توانند نوعی از فساد در جامعه باشند که باعث ناامیدی و نارضایتی افراد از قدرت و عدالت در جامعه می‌شود. به‌عنوان مثال، در جامعه‌هایی که رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه وجود دارد، افرادی که پول، قدرت و رانت‌هایی را دارند، به‌عنوان برترین افراد در جامعه شناخته می‌شوند و برای دسترسی به این منافع، از روش‌های غیرقانونی و ناعادلانه استفاده می‌کنند. این افراد با تلاش کردن در جهت به‌دست آوردن رانت‌ها، به‌عنوان مثال با پرداخت رشوه به مسئولان دولتی، به‌دنبال افزایش ثروت شخصی خود هستند. این کار باعث می‌شود که افراد دیگری که به‌دنبال پیشرفت و توسعه در جامعه هستند، احساس ناامیدی کنند و تلاش برای رسیدن به اهداف خود را بیهوده بپندارند. در نتیجه، رانت‌ها می‌توانند باعث کاهش امید و اعتماد به نفس در جامعه شوند. برای افزایش امید اجتماعی در جامعه، باید تلاش کرد تا رانت‌ها و زمینه‌های سوءاستفاده از بیت‌المال کاهش یابند و فرصت‌های اقتصادی و شغلی برای همه افراد در جامعه فراهم شود. همچنین ایجاد بسترهایی از عدالت، شفافیت و رقابت سالم در جامعه می‌تواند به افزایش امید اجتماعی در جامعه کمک کند. به‌عنوان مثال، تدوین و تصویب قوانین و مقرراتی که از رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه جلوگیری کنند، به‌همراه یک سیستم قضایی قوی و مستقل، نهادینه‌سازی شفافیت و عدالت در جامعه در بستر نظام آموزشی و ارتقای سطح آگاهی افراد می‌تواند به افزایش امید اجتماعی کمک بسزایی کند. اختلاس و رانت به‌عنوان جرائم اقتصادی شناخته می‌شوند که انجام آنها به منفعت عامه و نظام اقتصادی کشور ضریب جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند (حاتمی و حاتمی، ۱۴۰۱: ۷). اگر افراد یک جامعه به‌تناوب شاهد اخبار ناخوشایند وجود رانت و اختلاس در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشند، نمی‌توان توقع ایجاد امید

اجتماعی را در بین آنها داشت و اگر چنانچه نظام قضایی کشور هم برخورد قاطعانه‌ای با این مسئله نداشته باشد و اطلاع‌رسانی‌های لازم در خصوص عامل یا عاملان آن به افکار عمومی ارائه انجام ندهد، علاوه بر ایجاد وجود بدبینی اجتماعی، افراد جامعه به‌مرور زمان امید خود را نسبت به هرگونه حل مشکلات توسط حاکمیت از دست خواهند داد و در نهایت نتیجه‌ای جز ایجاد افسردگی و بی‌نشاطی اجتماعی و ناامیدی اجتماعی در پی نخواهد داشت.

❖ - چالش‌های قومی و مذهبی

در رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی، یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت امنیتی کشورها به‌شمار می‌رود. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدهای جدید امنیتی را به‌همراه آورده و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌انجامد (فکوهی، ۱۳۸۰: ۱۷). ایران به‌عنوان سرزمینی که در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی، در رتبه شانزدهم است، شناخته می‌شود. در ایران اگرچه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت دارند، اما وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی واقعیتی انکارناپذیر است و می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور باشد. در جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد وجود یک قطب قومیتی و ناسیونالیسم مرتبط با آن در غرب و جنوب شرقی کشور و همراهی با دو گسست دینی و به‌ویژه اقتصادی و تحریکات بیگانگان در آینده می‌تواند خطر آفرین باشد.

مسئله تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود، از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهم‌ترین ابزارهای آنها محسوب می‌شود. شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات با ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور دارد. این شکاف‌ها

نقدی پول بین مردم توزیع می‌کنند (جعفری والدانی، ۱۳۹۰: ۵). از نظر گونه‌شناسی علل و عوامل شکل‌گیری این پدیده نوظهور را می‌توان در سه سرفصل اصلی عوامل زیرساختی (بیکاری، فقر، عدم آمایش سرزمین، نیازهای فزاینده، ضعف انتقال آموزه‌های دینی، مهاجرت روستائیان به شهر، رشد حاشیه‌نشینی، رشد کلان‌شهرها، ایجاد فاصله طبقاتی، احساس بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض، تضعیف نقش و جایگاه خانواده، ضعف مهارتی نسل‌های جدید)، علل ساختاری (ضعف و ناکارآمدی الگوهای مدیریت فرهنگی و کیفیت عملکرد نهادهای اثرگذار، متمرکز است که از جمله آنها می‌توان به ناهماهنگی در ساختارهای رسمی، گسستگی ارتباط بین خانواده‌ها و ضعف فرایندهای پیش‌گیری، اتکا بیش از حد به روش‌های کنترلی و قضایی و فقدان استفاده از الگوهای راهبردی) و علل فراساختاری (شامل نقش و تأثیر معاندین اعم از بیگانگان و جریان‌های معارض در ایجاد و دامن زدن به این پدیده مثل جریان‌سازی فرهنگی، جنگ رسانه‌ای، توسعه شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، عملیات روانی، آموزش مقاومت اجتماعی و مدنی) دسته‌بندی کرد.

◀ - شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی

جامعه ایرانی در طی چند دهه اخیر با شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی مواجهه بوده و در مواردی این شکاف‌ها به صورت متراکم و متقاطع وجود دارد که تداوم و تشدید روندهای موجود در افق پنج‌ساله می‌تواند به بحران منجر شود. اولین شکاف عمده که می‌تواند در افق پنج‌ساله و حتی در بازه زمانی بیشتر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه سازد، شکاف نسلی (سنی) است. پس از انقلاب، نرخ رشد جمعیت کشور به نحو قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافت و نسل‌هایی که در آن زمان متولد شده‌اند، امروزه منشأ تحولات فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی عدیده در کشورند. در واقع تحولات جمعیتی در سال‌های پس از انقلاب تغییرات گسترده‌ای را در هرم سنی جمعیت کشور رقم زده و از آنجا که این تغییر در هرم سنی جمعیت با تغییرات ارزشی در جامعه همسو شده، شکاف اجتماعی جدیدی موسوم به «شکاف نسل‌ها» بروز کرده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور، افزون بر ۶۰

و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌شود که در ایران قابل‌مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی‌نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال و شکاف‌ها عمیق شود، موجب ناامنی خواهد شد. ظهور گروهک‌های تروریستی قومی با گرایش‌های التقاطی نظیر پژاک در مناطق شمال‌غرب و گروه‌هایی همچون جنداله (جندالشیطان)، جیش‌العدل (جیش‌الظلم) و... در حوزه جنوب‌شرق، نمونه‌هایی از چالش‌های قومی با چاشنی مذهبی هستند. با توجه به افزایش ارتباطات خارج از کنترل دولت‌ها که به رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها انجامیده و روند روزافزون تضعیف حاکمیت‌های ملی در سطح جهانی و مداخله قدرت‌های بزرگ در تحولات سیاسی و امنیتی محیط پیرامونی ایران و همچنین با توجه به اینکه سایر شکاف‌های اجتماعی نیز ارتباط معنادار با شکاف‌های قومی پیدا کرده‌اند، نباید از فعال شدن شکاف قومی در ایران غفلت کرد. در واقع با رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی اقوام از یک‌سو و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای با محوریت اقوام، به‌ویژه در عراق و افغانستان از سوی دیگر و همچنین تقارن با شکاف‌های دیگر از جمله شکاف‌های طبقاتی، دینی-مذهبی و نسلی، باید بیش‌ازپیش مراقب فعال شدن شکاف‌های قومی بود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). از سوی دیگر تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای از سوی برخی از کشورهای عربی در سال‌های اخیر صورت گرفته تا با دست‌کاری در عناصر هویت‌ساز، از جمله مذهب، هویت مذهبی-ایرانی استان‌هایی نظیر خوزستان را تغییر دهند. فعالیت وهابیون با محوریت عربستان سعودی در روستاها و مناطقی که مردم آن از نظر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در سطوح پایینی قرار دارند، از آن جمله است. وهابیون با ایجاد برخی شباهت در مورد عزاداری محرم و... به تبلیغ اندیشه‌های خود می‌پردازند. آنها به‌ویژه بر اختلاف‌های مذهبی و قومی تأکید ورزیده و برای رسیدن به اهداف خود بودجه‌های کلانی را اختصاص داده‌اند و به‌صورت

درصد از جمعیت ایران زیر ۳۰ سال سن دارند، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) در حالی که این قشر عظیم که نسل پس از انقلاب محسوب می‌شوند، ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های نسل پیشین داشته و سبک زندگی خاصی را دنبال می‌کنند که در بسیاری از موارد، سنخیتی با نسل‌های قبلی و حتی با سبک زندگی مطلوب جمهوری اسلامی ایران ندارد. این تغییر در سبک زندگی حکایت از فعال شدن شکاف بین نسل اول و دوم بعد از انقلاب و همچنین نسل‌های قبل از انقلاب دارد (گزارش حجاب، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷).

سبک زندگی نسل جدید در حال شکل دادن به نحوه خاصی از روابط میان دختر و پسر، ازدواج و حتی طلاق است که نه تنها به‌عنوان یک تهدید اجتماعی، بلکه به‌عنوان تهدید سیاسی نیز قابل مطالعه است. شکل جدیدی از روابط دختر و پسر که در سال‌های اخیر از آن با عنوان ازدواج سفید یاد شده و همچنین تغییرات قابل تأمل در برگزاری جشن‌های ازدواج و حتی طلاق که نماد تغییر سبک زندگی هستند تا حد زیادی نتیجه فعال شدن شکاف نسلی در کشور است که اگر به‌خودی‌خود هم، ظرفیت تعارض و منازعه اجتماعی را به دلیل روحیات و خصلت‌های جوانی تقویت نکند، نمادی از ایجاد و تکثیر هویت‌های جدید در جامعه است که تناسب چندانی با ارزش‌های بومی ندارند. این تغییرها باعث شده نرخ ازدواج در کشور به طرز معناداری کاهش و در مقابل، نرخ طلاق نیز افزایش یابد. البته اهمیت مسئله شکاف نسل‌ها در ایران فقط منحصر به این موضوع‌ها نیست؛ زیرا شکاف نسل‌ها در کنار شکاف‌های دیگر معنادار شده که امکان تقویت یکدیگر را نیز فراهم می‌سازند. شکاف نسلی در ایران از یکسو تحت تأثیر شکاف جنسیتی، قومی، دینی-مذهبی، مرکز-پیرامون و طبقاتی است و از سوی دیگر از شکاف فکری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران با نظام جهانی تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین هرچند شکاف نسلی در حال حاضر نیز فعال است و برخی آثار و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی و سیاسی خود را بروز داده، اما امکان فعال شدن بیش‌ازپیش این شکاف در آینده و تبدیل آن به زمینه‌ای برای تعارض و منازعه اجتماعی نیز وجود دارد. در ایران، شکاف نسلی می‌تواند به‌دلیل تغییرات

سریع فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی که جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، بروز کند. نسل‌های جدید ممکن است ارزش‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های قبلی داشته باشند و به‌دنبال انواع جدیدی از بیان خود و آزادی‌های فردی باشند که ممکن است با ارزش‌های سنتی و دینی در تضاد باشد (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). این تعارضات می‌توانند بر شکل‌گیری تهدیدهای نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارند، چرا که اگر نسل جوان احساس کند که نظام موجود نمی‌تواند به خواسته‌ها و نیازهای آنها پاسخ دهد یا ارزش‌های آنها را منعکس نمی‌کند، ممکن است از نظام فاصله بگیرند و این موضوع می‌تواند به کاهش حمایت عمومی و در نتیجه افزایش تهدیدهای نظام سیاسی منجر شود (نصری و مرسلی، ۱۳۹۸: ۹۴).

دومین شکاف اجتماعی که در بازه زمانی معین شده و در آینده می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کند، شکاف جنسیتی است. تحول جمعیتی در سال‌های پس از انقلاب صرفاً یک تحول کمی نبوده و همچنان که بر هرم سنی جمعیت کشور تأثیر گذاشته و شکاف نسل‌ها را پدید آورده، با افزایش تقاضای زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، پدیده دیگری به نام شکاف جنسیتی را به‌وجود آورده است. براساس گزارش «شکاف جنسیتی جهانی» که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، ایران در میان ۱۴۵ کشور مورد بررسی، رتبه ۱۴۱ را به خود اختصاص داده است. کسب این رتبه در شرایطی است که در سال‌های اخیر زمینه حضور بیش‌تر زنان در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی پایین و میانی کشور فراهم شده و متوسط نرخ رشد سالانه اشتغال زنان نیز بیش از مردان بوده است. در واقع مشکل اینجاست که این رشد با ترکیب جنسی پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌ها که از سال ۱۳۷۷ به نفع زنان تغییر یافته و به بیش از ۶۰ درصد رسیده است. به‌عبارت‌دیگر با توجه به افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده، شاهد ورود گسترده آنان به بازار کار بوده‌ایم که نتیجه آن، نرخ بیکاری بالای زنان در مقابل نرخ بیکاری مردان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شکاف جنسیتی در حال حاضر یک موضوع جدی است و در سال‌های آینده یکی از شکاف‌های اجتماعی

بیانگر تفاوت سطح توسعه یا میزان بهره‌مندی از امکانات اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مرکزی و حاشیه‌ای است. لازم به ذکر است که توزیع نامناسب جغرافیایی جمعیت در ایران، یک مشکل ساختاری و مقدمه‌ای برای شکاف مرکز- پیرامون بوده است. براساس مطالعات صورت گرفته، ۸۲ درصد از کل جمعیت ایران در نیمه غربی و ۱۸ درصد دیگر در نیمه شرقی کشور سکونت دارند. این پراکندگی جغرافیایی باعث شده که توزیع امکانات نیز به صورت ناعادلانه صورت گیرد و روند مهاجرت از نیمه شرقی به نیمه غربی بیش از پیش تشدید شود.

قابل توجه ایران خواهد بود که اثرگذاری آن بر تحولات اجتماعی و ثبات سیاسی کشور بیش از پیش نمایان می‌شود.

❖ - کاهش سطح توسعه انسانی

با وجود آنکه در اغلب سال‌ها شاخص آموزش، بهداشت، شهرنشینی و... در کشور بهبود یافته، اما توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان بهره‌مندی از این شاخص‌ها به تبع نحوه و میزان توزیع جغرافیایی آنها، باعث شکل‌گیری نوعی شکاف اجتماعی شده که از آن، با عنوان شکاف مرکز- پیرامون یاد می‌شود. در واقع شکاف سطح برخورداری در استان‌های دو یا چند قومیتی و شکاف مرکز- پیرامون

جدول ۲: مقایسه شاخص توسعه انسانی استان‌های مختلف بدون احتساب نفت و گاز (نیسی، ۱۳۸۹: ۲۴)

HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان
۰,۷۰۵۷	مازندران	۰,۶۶۴۳	کرمانشاه	۰,۶۸۱۲	فارس	۰,۶۶۱۳	خراسان شمالی	۰,۷۱۳۲	بوشهر	۰,۶۸۲۱	آذربایجان شرقی
۰,۷۱۴۹	مرکزی	۰,۶۷	کهگیلویه بویراحمد	۰,۷۱۷۴	فزوین	۰,۶۹۶۵	خوزستان	۰,۷۵۹۶	تهران	۰,۶۴۳۶	آذربایجان غربی
۰,۶۹۲۳	هرمزگان	۰,۶۷۳۶	گلستان	۰,۶۹۲۹	قم	۰,۶۷۴۹	زنجان	۰,۶۶۴۲	چهارمحال و بختیاری	۰,۶۵۹۷	اردبیل
۰,۹۲۱۴	همدان	۰,۶۸۸۶	گیلان	۰,۶۳۵	کردستان	۰,۷۲۱۶	سمنان	۰,۶۶۲	خراسان جنوبی	۰,۷۲۴	اصفهان
۰,۷۲۸۹	یزد	۰,۶۶۲۴	لرستان	۰,۶۸۹۱	کرمان	۰,۵۸۲۳	سیستان و بلوچستان	۰,۶۸۳۱	خراسان رضوی	۰,۶۷۰۱	ایلام

میزان نابرابری طی سال‌های مختلف متفاوت بوده، میزان شکاف طبقاتی در جامعه ایران نیز همواره در تغییر و نوسان بوده است. به عبارت دیگر شکاف طبقاتی در جامعه ایران یک شکاف تاریخی است که در حال حاضر وضعیت خاصی از آن آشکار شده و به دلیل تقارن با شکاف‌های دیگر به حدی رسیده که اثرگذاری سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه‌ای یافته است.

اگر آمار و ارقام را در کنار بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی مانند خرید و فروش آپارتمان لوکس چند صد متری با قیمت‌ها و شرایط ویژه، جولان اتومبیل‌های شخصی با قیمت چندمیلیاردی در تهران و برخی شهرهای کشور و حتی ایجاد صفحات خاص با مضامین اشرافی‌گری که هراز گاهی خبر آن به طرق مختلف در فضای رسانه‌ای و مجازی منتشر می‌شود از یک‌سو و افزایش تعداد کارتن‌خواب‌ها، افزایش فرزندان محروم از تحصیل، ناتوانی برخی در پرداخت هزینه‌های اولیه درمان، عدم توانایی بسیاری از جوانان برای ازدواج و تشکیل خانواده از سوی دیگر، قرار دهیم، به خوبی آشکار می‌شود که وضعیت شکاف طبقاتی در جامعه ایران چگونه است و چه آثار و پیامدهایی بر امنیت و ثبات سیاسی کشور خواهد داشت. در چنین شرایطی، اولویت بخشیدن به اقتصاد تولیدمحور و افزایش هزینه‌های دلالی و مصرف‌زدگی و همچنین اجرای درست و هدفمند یارانه‌ها می‌تواند باعث کاهش ضریب جینی، نابرابری و در نهایت کاهش شکاف طبقاتی شود.

◀ - جنگ شناختی-ادراکی

جنگ شناختی-ادراکی که از سوی نظام جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، به استفاده از اطلاعات به عنوان سلاح برای تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها، نظام باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک تفکر عموم مردم اشاره دارد. جنگ شناختی دربرگیرنده تکنیک‌های مختلفی است که هدف آنها ایجاد تأثیرات فرهنگی و ادراکی است تا بتوانند تصویر، ادراک و کنش بازیگران هدف را مورد تأثیر قرار دهند (افتخاری و راجی، ۱۴۰۱: ۱۱۶). پیامدهای این نوع جنگ فرهنگی می‌تواند شامل ایجاد بی‌اعتمادی، سوءتفاهم و تحریف واقعیت‌ها باشد. همچنین ممکن است به تضعیف موقعیت بین‌المللی، افزایش تنش‌های داخلی و خارجی و ایجاد چالش‌های

بررسی شاخص بر خورداری استان‌های مرکزی نسبت به استان‌های مرزی و مراکز استان نسبت به شهرستان‌ها و شهرها نسبت به روستاها به وضوح نشان می‌دهد که هرچند وضعیت کلی اغلب این شاخص‌ها نسبت به گذشته بهبود یافته، اما همچنان استان‌های مرکزی نسبت به استان‌های مرزی، مراکز استان نسبت به شهرستان‌ها و شهرها نسبت به روستاها از امکانات آموزشی، بهداشتی، خدمات شهری، بودجه عمرانی و... بیش‌تری برخوردارند (گزارش مرکز آمار ایران، جایگاه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها در آینه آمار ۱۴۰۰ قابل دسترسی به نشانی: amar.org.ir/2810/PropertyAgent/0/Portals14897/Files). همین مسئله باعث تقویت شکاف مرکز-پیرامون در جامعه شده است؛ به گونه‌ای که مثلاً طبقات اجتماعی بالای استان‌های مرزی، شهرستان‌ها و روستاها از طبقات اجتماعی پایین پایتخت یا استان‌های مرکزی، مراکز استان‌ها و شهرهای کوچک نیز درآمد و سطح زندگی پایین‌تری دارند. در نتیجه وجود چنین شکافی است که در سال‌های اخیر شاهد جابه‌جایی سالانه حداقل یک میلیون نفر از روستاها به شهرها و از شهرهای کمتر برخوردار به شهرهای برخوردارتر و همچنین از استان‌های محروم و حاشیه‌ای به استان‌های مرکزی کشور بوده‌ایم.

یافته‌های تحقیقاتی انجام نشان می‌دهند که در دو دهه گذشته کم‌ترین امتیاز شاخص توسعه انسانی بدون احتساب نفت خام و گاز طبیعی، مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و بیشترین امتیاز مربوط به استان‌های تهران، یزد و اصفهان است (نیسی، ۱۳۸۹: ۵۸). نتیجه این تحقیق هم‌راستا با آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، با وجود بهبود شاخص توسعه انسانی در همه استان‌ها، امتیاز استان‌های با کمترین و بیشترین میزان توسعه انسانی تقریباً تغییر نکرده است. گرچه بی‌عدالتی در توزیع درآمدها همواره در جامعه ایران یک مسئله جدی بوده و باعث رنجش دائمی بخش عمده‌ای از جامعه از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شده، اما از آنجا که

گفت که سرمایه اجتماعی در ایران طی سالیان گذشته روندی رو به افول در پیش گرفته که این پدیده می‌تواند تبعات ناگواری برای نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور به دنبال داشته باشد. کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر هم اگرچه مرتبط با برخی رخدادهای اقتصادی و سیاسی در کشور بوده، اما نمی‌توان از روند نزولی سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی در جهت کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور چشم‌پوشی کرد. قاراخانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست اجتماعی در ایران، شکاف دولت - ملت» بر این نکته تأکید می‌کند که سیاست‌های اجتماعی ناکارآمد و ناتوانی دولت در تأمین خدمات اجتماعی و رفاهی مناسب می‌تواند به کاهش کارایی نظام سیاسی و درنهایت به بحران مشروعیت منجر شود. این مقاله تحلیل می‌کند که سیاست اجتماعی در ایران به دلیل عدم توازن و هماهنگی، نتوانسته است نقش مؤثری در پیوند دولت و ملت ایفا کند و این امر به تعمیق شکاف میان دولت و ملت انجامیده است (قاراخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند به افزایش مشارکت مدنی و تقویت پایه‌های دموکراتیک کمک کند، درحالی‌که کاهش آن می‌تواند به بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی منجر شود و درنهایت به تهدیدهای کلان منجر شده و بر نظام سیاسی تأثیر منفی بگذارد.

۲- ارزیابی نوع و شدت تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بعد اجتماعی-فرهنگی، در افق ۵ ساله در بخش دوم پژوهش لازم است با استفاده از چارچوب نظری و با بهره‌گیری از نظرات خبرگانی براساس معیارهای سنجش وقوع تهدیدها، احتمال وقوع آنها در افق پیش‌رو سنجیده شود. جمع‌بندی نظر خبرگان در خصوص سطح، جغرافیا، جنس، کانون، انگیزه، کار ویژه، شاخص‌های ارزیابی، ماهیت، احتمال وقوع، ابعاد، عمق، توان، فوریت مکانی و زمانی و تراکم تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

امنیتی برای کشور هدف منجر شود. جنگ فرهنگی ادراکی که از سوی نظام جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، تأثیرات متعددی بر جامعه داخلی ایران داشته است. این تأثیرات شامل تغییر باورهای اقتصادی، تضعیف قدرت ملی و استقلال کشور، ایجاد بحران‌های اجتماعی، تشویق به مهاجرت، ایران هراسی و... است. اهداف جنگ شناختی را می‌توان در سه لایه اصلی فروپاشی اجتماعی، فروپاشی ساختاری و فروپاشی سرزمینی دانست که از طریق دو راهبرد اصلی نفوذ و بی‌ثبات‌سازی سیاسی و اجتماعی دنبال می‌شود. طراحان جنگ شناختی به دنبال آن هستند تا با قرار دادن شهروندان در دام یک فرایند فریب شناختی، دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های ملی، هویتی، سرزمینی و اعتقادی از آنها را گرفته و با جهت‌دهی به ادراکات آنها به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه همه الگوها، هنجارها، نمادها و پیشران‌های وحدت‌ساز اجتماعی و به تعبیری «مای جمعی» را زیر سؤال ببرند تا زمینه فروپاشی از درون یک جامعه را فراهم سازند (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳: ۱۸). سنگین‌ترین عملیات شناختی علیه یک کشور در طی چند سال اخیر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران رقم خورده و با توجه به سابقه دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران انتظار می‌رود از طریق جنگ شناختی-ادراکی چالش‌های متعدد دیگری برای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آینده رقم بخورد.

❖ - کاهش سرمایه اجتماعی

مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی عبارتند از: اعتماد، مشارکت، همکاری و رعایت حقوق یکدیگر. در این میان اعتماد جایگاه ویژه‌ای داشته و دارای ابعاد گسترده‌تری است. اعتماد مردم به مردم، اعتماد مردم به دولت و اعتماد دولت به مردم نقشی بی‌بدیل در کاهش تهدیدات ایفا می‌کند. شکاف بین دولت و ملت و کاهش سرمایه اجتماعی عوامل مهمی در خلق بحران‌ها و تهدیدهای امنیت ملی یک کشور به‌شمار می‌روند. کاهش سرمایه اجتماعی و به‌تبع شکاف بین دولت و ملت که به تدریج و در پی نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی گسترش یافته، نشان‌دهنده فاصله‌ای است که بین انتظارات مردم و عملکرد دولت وجود دارد. با توجه به روند نگران‌کننده برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در کشور، می‌توان

خبرگانی تهدیدهای رایج شناسایی شده و پس از تشریح آنها از خبرگان مشارکت کننده خواسته شد تا براساس چارچوب ارزیابی تهدیدها نسبت به ارزیابی آنها اقدام به عمل آورند. همچنین از آنها خواسته شد تا احتمال وقوع هر یک از این تهدیدها در افق پنج ساله (۱۴۰۸-۱۴۰۳) را مشخص سازند. در جمع بندی این پژوهش لازم است تا به راهبردها و پیشنهادهای سیاستی جهت مقابله با تهدیدهای اجتماعی پرداخته شود. جهت مقابله با تهدیدهای اجتماعی و کاهش بار آسیب های آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لازم است تا تمامی ظرفیت ها و تعاملات و همکاری های موجود در قوای سه گانه استفاده شود و اقدام های زیر در اولویت دستگاه های سیاست گذاری قرار گیرد. از جمله این پیشنهادهای راهبردی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تدوین سند جامع ارتقای امنیت اجتماعی
- تحکیم بنیان خانواده و تسهیل ازدواج
- مقابله جدی با مواد مخدر و جرائم سازمان یافته
- فرهنگ سازی و مقابله با تهاجم فرهنگی
- آموزش همگانی و مسئول سازی نهادها
- تقویت وحدت و انسجام ملی
- تعمیق سرمایه های فرهنگی و معنوی تمدن ایرانی و بازتعریف عناصر فرهنگ ملی
- تأکید بر هویت ملی، تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی و همچنین شناخت افتخارات ملی
- تقویت همبستگی ملی مبتنی بر اعتماد مردم به یکدیگر و نظام، همدلی و وفاق مسئولان، امید، نشاط، مشارکت و رضایتمندی عمومی

منابع:

- احتشامی، علی؛ رادان، احمد رضا و کرم زاده، اسماعیل، (۱۴۰۳)، «تهدیدات امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۴، شماره ۵۱.

- احمدی، سید محمد، (۱۳۸۶)، «توسعه اجتماعی و امنیت ملی» پژوهش نامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۴.

- احمدی، وحیده، (۱۳۹۹)، آسیب های اجتماعی- معاونت اجتماعی ناجا- مرکز افکار سنجی.

- افتخاری، اصغر و راجی، محمد هادی، (۱۴۰۱)، «تحلیل جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی

تا نظرات خود را در خصوص احتمال وقوع هر یک از تهدیدها، به منظور پاسخ به سؤال سوم پژوهش که در خصوص احتمال وقوع تهدیدها بود، ارائه کنند. در جدول شماره ۴ جمع بندی احتمال وقوع هر یک از تهدیدها از دیدگاه خبرگان نمایش داده شده است.

جدول ۴: احتمال وقوع تهدیدها از دیدگاه خبرگان

تهدید	احتمال وقوع (ادامه روند تا افق ۱۴۰۸)
تهدیدات اجتماعی- فرهنگی	
کاهش سرمایه اجتماعی	خیلی زیاد
فساد اقتصادی و اجتماعی	زیاد
تضعیف هویت ملی	زیاد
چالش های قومی- مذهبی	خیلی زیاد
شکاف های اجتماعی و اقتصادی	زیاد
کاهش توسعه انسانی	متوسط
تغییر سبک زندگی	خیلی زیاد
افزایش آسیب های اجتماعی	خیلی زیاد
جنگ شناختی- ادراکی	خیلی زیاد

نتیجه گیری:

مسئله تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی از جمله مسائلی است که می تواند آینده امنیت اجتماعی در جامعه ایرانی را با تهدید و خطر مواجه سازد و بالطبع چالش های جدی برای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز رقم بزند. پژوهش پیش رو نیز با هدف شناسایی، تحلیل، ارزیابی روشمند و احتمال وقوع تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی در ایران به نگارش درآمده است. برای دست یابی به این هدف با استفاده از پرسش نامه

- ایران»، نشریه علمی آفاق امنیت، دوره ۱۵، شماره ۵۴. -آزادارمکی، تقی، (۱۳۹۰)، فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- بلندیان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی امنیت داخلی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- یوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- یوزان، باری و همکاران، (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۹۲)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس- تهران نشر قومس.
- حاتمی، محمد؛ حاتمی، کاظم، (۱۴۰۱)، اختلاس در اموال دولتی، تهران: نشر گنجور.
- حیدری، علی؛ محمودی، ابوالقاسم؛ فراهانی، سیدعلی، (۱۴۰۱)، «بررسی نسبت حاشیه‌نشینی و امنیت عمومی شهروندان» فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱۵، شماره ۱.
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ عبداللهی، عظیمه سادات، (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا؛ صادقی، زهرا، (۱۳۸۷)، «رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ایران: تهدیدات و راهکارها»، دو فصلنامه پژوهش سیاست، سال دهم، شماره ۲۵.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۴۰۱)، «ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جوانان ایرانی در نیم‌قرن اخیر: تداوم‌ها و گسست‌ها» فصلنامه علوم اجتماعی، سال سی‌ام، شماره ۹۹.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۶)، مسئله هویت ایرانیان امروز، تهران: نشرنی.
- شهباز، حسن؛ افتخاری، اصغر؛ بختیاری، حسین، (۱۴۰۰)، «مدل‌سازی تهدیدات امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ساختاری-تفسیری»
- فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- شیرکرمی، جواد؛ شریفی دروازه، مرضیه؛ خدادادی، قاسم، (۱۳۹۷)، «جامعه ایرانی و چالش‌های سبک زندگی جدید» دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال اول، شماره ۱.
- عباس‌زاده مرزبالی زاده، مجید، (۱۳۹۶)، «چالش‌های هویت ملی در عصر جهانی شدن (با نگاهی به ایران)»، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۶.
- عبداله‌خانی، علی، (۱۳۸۴) کتاب امنیت بین‌الملل ۳، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های فراروی امنیت ملی ج.ا.ا. تهران، انتشارات ابرار معاصر.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، تهران، نشرنی.
- قاراخانی، معصومه، (۱۳۹۵)، «سیاست اجتماعی در ایران، شکاف دولت - ملت»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۳، شماره ۷۵.
- گروه مطالعات امنیت ملی، (۱۳۹۰)، امنیت اجتماعی (عوامل و راهبردها)، تهران انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گزارش وضعیت آسیب‌های اجتماعی کشور- کارگروه بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۲.
- مرادیان، محسن، (۱۳۹۷) شناخت محیط و آسیب‌های اجتماعی ج.ا.ا. تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، ایران در آینه آمار.
- مرکز آمار ایران، (۱۴۰۰)، ایران در آینه آمار.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵)، عمده‌ترین مسائل کشور، معاونت پژوهشی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۷)، گزارش حجاب، تهران، معاونت پژوهشی.
- مطلبی، مسعود، (۱۳۹۹)، «آینده پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱.
- نصری، قدیر؛ مرسلی، فاطمه، (۱۳۹۸)، «شکاف‌های اجتماعی نوپدید تحلیل مشروعیت سیاسی، با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز، (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶)»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۰، شماره ۱.

-نوذری، حسین‌علی، (۱۳۸۴)، «بحران‌ها و تهدیدات اجتماعی: تحلیلی پارادایمی در خصوص رویکردها، برداشت‌ها و نظریه‌های جدید پیرامون مفهوم بحران» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.

-نیسی، عبدالکاسم، (۱۳۸۹)، «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران»، فصلنامه علوم بهداشتی، سال ۲، شماره ۲، بهار.

-نیکونهاد، ایوب؛ بیوک، محسن، (۱۴۰۳)، «طراحی و تصویرسازی مطلوب از جهاد تبیین در تقابل با جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب»، فصلنامه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۱.

-وزارت کشور، (۱۳۹۰)، گزارش اداره مقابله با اعتیاد مرکز امور اجتماعی وزارت کشور.

-وزارت ورزش و جوانان، (۱۳۹۲)، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش جوانان.

-ونت، الکساندر، (۱۳۸۵)، نظریه‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.